

«خواجه احمد یسوی» شخصیتی است بزرگ و صاحب طریقت که آثار معنوی فراوانی بر اقوام مختلف آسیای مرکزی به جای گذاشته است. وی که فریدالدین عطار در منطق‌الطیر از او به عنوان پیر ترکستان یاد کرده است، از بزرگان تصوف در میان اقوام آسیای مرکزی به شمار می‌آید. «یسویه» آیین و طریقت متناسب به خواجه احمد یسوی، یکی از فرقه‌های تصوف در منطقه است که نقش بسزایی در تشکیل مذهبی اقوام منطقه ایفا نموده است.

باید در نظر داشت که طریقت‌های عرفان و تصوف یکی از عوامل اصلی حفظ و گسترش اسلام در مناطق مختلف آسیای مرکزی بوده است. تنها از این رهگذر می‌توان چگونگی حفظ سنن و باورهای دینی را در میان بخش عظیمی از مسلمانان این منطقه در طی هفتاد سال حکومت بلشویک‌ها بررسی و تحلیل کرد.

در خطه آسیای مرکزی طی قرون متمادی، فرقه‌های مختلفی از تصوف، تحت نام‌های نقشبندیه، کبرویه، قادریه و یسویه گسترش یافته است. از دیدگاه مستشرقین، پیروان فرقه‌های مختلف تصوف به عنوان مظاهر «اسلام غیر رسمی» نقش عمده را در حفظ سنت‌های اسلامی به عنوان بخشی از زندگی روزمره مردمان این مناطق داشته‌اند. روحانیون صوفی طی این مدت مجریان اصلی اسلام غیررسمی و هدایت‌گران مردم بوده‌اند.

/// پیوسته

اسلام‌ستیزی و تخریب مساجد آغاز شد. مقاومت جدی مسلمانان در مقابل این روند رشد نهضت‌های اسلامی در برخی نقاط آسیای مرکزی و قفقاز موجب شد که دولتمردان بلشویک‌ها برای تحت کنترل درآوردن جریان اسلام در جماهیر شوروی به نوعی این جریان را در چهارچوب رسمی درآورند.

بر این اساس و با یک برنامه دیکته‌شده از جانب دولت، پنج اداره قاضیات در سراسر شوروی برای عهده‌داری وظیفه اداره امور مسلمانان تأسیس شد. یکی از این پنج مرکز، اداره قاضیات آسیای مرکزی و قزاقستان بود که در تاشکند، پایتخت ازبکستان استقرار یافت و دو مدرسه میرعرب و امام بخاری را برای تربیت طلاب ایجاد کرد.

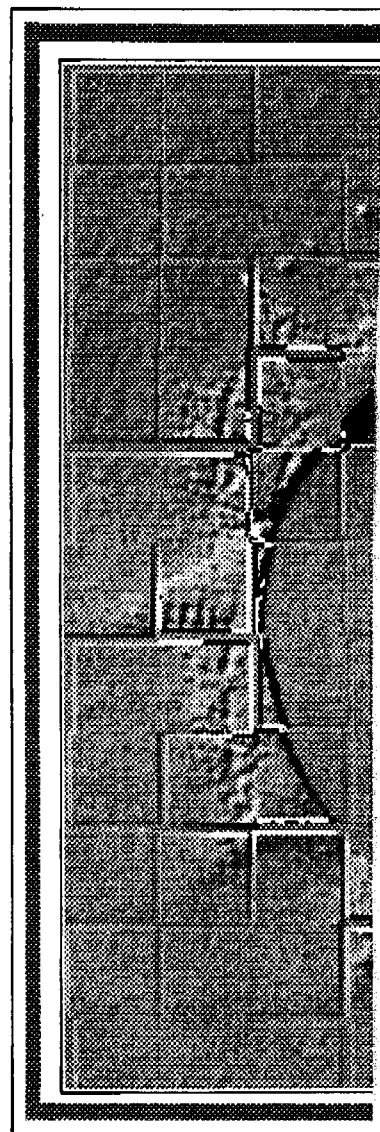
در واقع با آغاز حکومت بلشویک‌ها، جریان اسلام که

اگرچه گرویدن به دین مبین اسلام در مناطق مختلف آسیای مرکزی به دوره‌های متفاوت تاریخ برمی‌گردد، به طوری که در برخی مناطق به قرون اولیه پس از هجرت و در برخی دیگر به قرون هجده و نوزده میلادی (مانند بخشی از قزاقستان) برمی‌گردد اما سنن و رسومات این مناطق به وضوح متأثر از اسلام است. طی دوران حکومت عباسیان ماوراءالنهر یکی از مراکز تمدن اسلامی به حساب می‌آمد و دانشمندانی که از این خطه برخاسته‌اند آثار فراوانی بر تمدن و علوم اسلامی بر جای گذاشته‌اند.

از اواسط قرن شانزدهم میلادی و با سقوط حکومت «قازان» به تدریج آسیای مرکزی تحت سلطه و نفوذ روسیه مرکزی درآمد. با این حال تا اوایل قرن بیستم هنوز فعالیت‌های دینی به صورت گسترده‌ای جریان داشت. تنها با استقرار حکومت کمونیستی و از اوایل قرن بیستم روند

«طریقت یسویه» و نقش آن در گسترش اسلام در آسیای مرکزی

مهدی سنایی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



یافتن جریان اسلام، محمل خوبی برای مردم و روحانیون غیررسمی برای استفاده از فرصت‌های موجود است. با این حال این طریقت‌ها و فرقه‌های تصوف بودند که بار اصلی حفظ و گسترش اسلام را در میان مردم به عهده داشتند و هیچ‌گاه اجازه ندادند حلقه‌های ارادت میان شیوخ و شاگردان و مدیران گسسته شود. وجود فرهنگ روس در همسایگی و بعدها در میان جوامع مسلمان به عنوان یک عنصر مهاجم موجب شده است که دسته‌های طریقت و فرقه‌های تصوف در این مناطق، چهره‌های کاملاً مثبتی را از خود نشان دهند و عاملی باشند برای حفظ سنن و آداب اسلامی. زیرا جز از طریق حلقه‌های ارادت امکان مقاومت در مقابل فرهنگ قوی و مهاجم وجود نداشت. در واقع اسلام رسمی در شوروی عبارت بود از پنج اداره قاضیات با چندین مدرسه

تا پیش از این ساختار اجتماعی جوامع مسلمان را در این مناطق تحت تأثیر قرار می‌داد و در ضمن آن ساختارهای کوچک‌تر درونی اما قوی عرفان و تصوف جریان داشت، ناگهان تبدیل به دو جریان اسلام رسمی و اسلام غیررسمی شد. اسلام رسمی در اداره‌های قاضیات جریان داشت، حکومت پسند بود و چندان تأثیر عمیقی نیز در جامعه نمی‌گذاشت و اسلام غیررسمی در چهارچوب ساختارهای طریقت و تصوف جریان داشت که در واقع همان اسلام عمیقی بود که نمی‌توانست در چهارچوب یک حکومت کمونیستی ادامه حیات دهد و مردم را به نوعی مقابله درون قوی و حفظ اصالت و آداب اسلامی دعوت می‌نمود.

باید توجه داشت که نمی‌توان نقش ادارات قاضیات و روحانیون رسمی را به کلی انکار کرد و خود رسمیت

سال از تحصیلات ابتدایی، احمد ترکستان را ترک گفته و عازم بخارا شد. بخارا که تحت حاکمیت سلجوقیان قرار داشت بزرگ‌ترین مرکز اسلامی در ماوراءالنهر محسوب می‌شد و مملو از هزاران طلبه‌ای بود که از اطراف و اکناف وارد این شهر شده بودند.

احمد یسوی که به دلیل منسوب بودن به سلسله خواجهگان، خواجه احمدی‌سوی نامیده شده است از شاگردان شیخ یوسف همدانی است و به همین دلیل ادامه دهنده سلسله تصوف ایرانی است. باید توجه داشت که از قرن چهارم هجری (یازدهم میلادی) اندیشه تصوف که محصول تفکر عرفای ایران و خراسان بود، به عقاید مسلمانان آسیای مرکزی راه یافت. این اندیشه که در اواخر قرن سوم هجری (دهم میلادی) در خراسان به شکلی گسترده و منسجم خود ترکیبی عرفانی بود از عقاید نو افلاطونی و گنوسیسم که قصد داشت پیام درونی و سرنهفته در قرآن را بازگوید.

در اواسط قرن پنجم هجری، خواجه یوسف همدانی (نام کاملش: ابوعلی یعقوب بن یوسف البزینجردی الهمدانی) سردمدار تصوف در آسیای میانه بوده است. خواجه احمد پس از چندسال تحصیل نزد «ارسلان بابا» در بخارا نزد خواجه یوسف به تلمذ پرداخت. در این زمان شاگردان فراوانی نزد خواجه یوسف همدانی تلمذ می‌کردند که از جمله آنها شیخ عبدالقادر گیلانی بود که وی نیز فرقه معروف دیگری را تأسیس کرد. از دیدگاه «بارتولد»^۲ خواجه یوسف مرام درویش را در آسیای مرکزی گسترش داد و شاگردان وی نقش مهمی در گسترش اسلام در میان ترک‌ها ایفا کردند.

یوسف همدانی، الهیات را در بغداد آموخت و سپس ساکن مرو شد و در آنجا تحت رهبری شیخ ابوعلی فریومدی طریقت صوفیه را اختیار کرد. بر اساس روایات، وی ده هزار مرتبه قرآن را ختم کرده است و سی و هفت مرتبه مراسم حج را به‌جا آورده است.

یوسف همدانی در سال ۱۱۴۰ م. وفات یافت و پیش از مرگ، چهار شیخ بزرگ را به عنوان جانشین خود معرفی کرد: ابومحمد بخارایی، خواجه احمدی‌سوی، عبدالخالق قیروانی، عبدالله براقی. این چهار تن از شاگردان برجسته شیخ بودند که همگی تاهنگام وفات نزد وی تلمذ کردند. به این ترتیب خواجه احمد مقام شیخ خود را به دست آورد و به شهر یسه بازگشت و تبلیغاتی گسترده در مورد طریق خویش آغاز کرد. وی در ترکستان طریقتی خاص بنا نهاد و در میان قزاق‌ها و قرقیزهای استپ‌نشین،

تحت اداره آنان و کتاب‌هایی که در این مراکز به چاپ می‌رسید و روحانیونی که تربیت می‌یافتند. این جریان اگرچه در همین حد نیز مطلوب بوده است اما یک عملکرد مناسب با دولت بلشویک‌ها از اسلام بوده است. اما اسلام غیررسمی عبارت بود از وجود روحیات مذهبی خودجوش در میان مردم، فعالیت‌های ملاحی که از نظر اسلام مراکز مذهبی رسمیت نداشتند، حفظ ارتباط و محبت با مقدسات اسلام و نهایتاً حفظ اسلام در چهارچوب سنن و آداب قومی. در همین راستا طریقت‌های عرفان و تصوف مهم‌ترین چهارچوب برای ادامه یافتن و حفظ دین در میان مردم بوده‌اند و به صورت غیررسمی شیوه زندگی اجتماعی را به خصوص در مناطق دور از شهرهای بزرگ شکل می‌دادند.

با ذکر این مقدمه به این نکته اشاره می‌کنیم که یکی از بزرگان طریقت و تصوف که مناطق گسترده‌ای از آسیای مرکزی را تحت تأثیر خویش قرار داده است، خواجه احمد یسوی است.

تاریخ تولد احمد یسوی حدوداً به اواسط قرن پنجم برمی‌گردد. در دائرةالمعارف بزرگ شوروی تاریخ تولد وی با قید حدوداً ۱۱۰۵ میلادی (۴۸۲ هجری شمسی) ذکر شده است. وی در شهرک «سیمیرم» واقع در شرق شهر چیمکنت (مرکز فعلی استان جنوبی قزاقستان) چشم به جهان گشود و پس از چندی به شهر «یسه» مهاجرت کرد و در حلقه صوفیان وارد شد و به چله‌نشینی پرداخت.

اسناد و مدارک قطعی در مورد هویت و شخصیت تاریخی احمد یسوی بسیار اندک است. با این حال تأثیر بسزایی که وی بر مردم منطقه گذاشته است، بسیاری از محققین را بر این داشته است که تحقیقات مختلفی را در این زمینه آغاز کنند.

قصبه سیرم که بعدها ترکستان نام گرفت و هم‌اکنون نیز با این نام شناخته می‌شود یکی از مراکز فعال دینی در عصر یسوی بود. این شهر که در افسانه‌ها به عنوان پایتخت اوغورخان شناخته شده است، یکی از مراکز تصوف اسلامی در ماوراءالنهر بوده است. در ترکستان در آن زمان طریقتی تحت شیخوخیت شخصی به نام ارسلان بابا و یا شیخ بابا اصلان در جریان بود. پس از گذشت چند

از دیدگاه برخی مورخین نقشبندیه عکس‌العملی در مقابل یسویه که متأثر از فرهنگ ایران بود تلقی می‌شود

چنین محیطی ناگزیر از تطبیق با آداب و سنن اقوام منطقه بود. حتی در آثار پیروان نقشبندیه مطالبی هست که نشان می‌دهد در مجالس ذکر خواجه احمد یسوی که در اویش گرد هم می‌آمدند، زنان و مردان با هم شرکت داشته‌اند. نوع شعر ساده و عامیانه احمد یسوی مقلدین فراوانی در مناطق ترک‌نشین یافت. به راحتی می‌توان تأثیر شعر احمد یسوی را در اشعار «حکیم آنا»، «آبای»، «مختوم قلی فراغی» و «یونس امره» مشاهده کرد. این افراد هر یک از مشاهیر جمهوری‌های ترک زبان و صاحب اشعار و آثاری هستند که ورد زبان عامه مردم می‌باشد.

همه افکار و اندیشه‌های خواجه احمد یسوی در قالب اشعاری درآمد که در کتابی به نام دیوان حکمت جمع‌آوری شد. این دیوان قطعاتی شامل مدیحه‌های متعلق به فضایل درویش، قطعات مربوط به پیامبر و صوفیان بزرگ مسلمان، شکایت از وضع دنیا، نزدیک شدن قیامت و حکایت‌هایی از احوال بهشت و دوزخ را دربر می‌گرفت.

برخی از محققین در اینکه در زمان حیات یسوی کتابی تحت عنوان دیوان حکمت از اشعار وی تدوین شده باشد، تردید کرده‌اند و معتقدند آنچه هم‌اکنون تحت عنوان دیوان حکمت به دست ما رسیده است، مجموعه‌ای است از اشعار پیروان و مریدان احمد یسوی که به همان سبک و سیاق سروده شده است. این ادعا از سویی با این نکته مورد تأیید قرار می‌گیرد که نسخه‌ای از دیوان حکمت مربوط به پیش از قرن دهم هجری (هفدهم میلادی) به دست نیامده است.

به هر حال دست‌یابی به نسخه‌ای از دیوان حکمت تا به حال ممکن نشده است. گوردلوسکی که در سال ۱۹۲۹ م. به ترکستان مسافرتی داشته است، نقل می‌کند که در آنجا شنیده است نسخه‌ای قدیمی از دیوان حکمت که بر روی پوست نوشته شده بوده است در آرامگاه احمد یسوی وجود داشته اما بعدها مفقود شده است. هر چند با اطمینان می‌توان گفت نسخه‌ای از دیوان حکمت متعلق به قبل از قرن دهم هجری (هفتم میلادی) یافت نشده است، اما قرائنی نیز بر وجود این کتاب در زمان احمد یسوی وجود دارد. از جمله اینکه فضل‌الله ابن روزبهان

مقامی خاص یافت. درویشان حلقه خواجه احمد تعلیمات استاد را در تمام خطه ترکستان و تا اقصی نقاط ولگا، قفقاز و آسیای صغیر گسترش دادند. تعلیمات خاص خواجه احمد هم اکنون به عنوان «یسویه» شناخته شده است. یسویه ابتدا در سواحل سیحون، جوار تاشکند و ترکستان شرقی به شدت نفوذ یافت و بعدها با نیرو گرفتن از زبان و فرهنگ ترک در منطقه ماوراءالنهر، خوارزم و بعدها به استپ‌ها و منطقه بلغار گسترش یافت. یسویه با اینکه چنان گسترش یافت که در قرن ۱۳ (۶ هجری) وارد آناتولی شد اما با ظهور و پیشرفت فرقه نقشبندیه در قرن هشتم هجری (۱۵ میلادی) از نقش آن کاسته شد. با این حال خللی در شهرت وی بین ترک‌ها ایجاد نشد. از سویی نقشبندیه نیز با رهبریت امام بهاء‌الدین نقشبند برای تحت نفوذ درآوردن ترک‌های منطقه با طریقت یسوی روابطی ایجاد کرد.

احمد یسوی که یکی از خلفای شیخ یوسف همدانی بود از یک سو تحت تأثیر نهضت فکری خراسان و از سوی دیگر تحت تأثیر جریان شیعی موجود در ترکستان شرقی و حوالی سیحون بود.

از دیدگاه برخی مورخین، نقشبندیه عکس‌العملی در مقابل یسویه که متأثر از فرهنگ ایران بود تلقی می‌شود. نقشبندیه تلاش کرد که برای ترک‌ها یک چهارچوب ایدئولوژیک مستقل نیز ایجاد کند.

در دوره‌ای که خواجه احمد یسوی به تبلیغات خویش دست زد، در ترکستان شرقی در هر گوشه‌ای خانقاهی برپا و بازار تصوف و درویشان بسیار گرم بود.

مهم‌ترین نکته در اندیشه و طریقت یسوی امتزاجی است که میان یک نوع فرهنگ برگرفته از تصوف ایرانی و زبان شیوه‌ای که در میان اقوام ترک کاربرد داشت صورت گرفته است. به رغم آشنایی فراوان با علوم اسلامی و ادبیات ایرانی یسوی برای تبلیغ افکار خویش در میان اقوام ترک از ادبیات عامیانه ترک‌ها بهره جست.

یسوی برای تبلیغ احکام تصوف به مریدانش با زبانی ساده و قابل فهم با شیوه و نظم مطابق ادبیات عامیانه ترک اشعاری سرود. این گونه اشعار که بزرگ‌ترین اثر خواجه احمد یسوی است «حکمت» نامیده شده است. یسوی در

احکام اساسی طریقت یسویه را معرفت‌الله، مروت، راست‌گویی فنافی الله و توکل کامل تشکیل می‌دهد

و پیدایش طریقت حیدریه در خراسان در قرن ششم هجری (سیزدهم میلادی) مؤثر بوده و همچنین در تأسیس طریقت‌های بابایی و تک‌باشی در نیمه دوم همین قرن در آناتولی نقش داشته است.

طریقت یسوی که از فرقه‌های تصوف اهل سنت به حساب می‌آید، تمام سنن و عقاید تسنن را پذیرفته است و اجرای کامل احکام شریعت توسط پیروانش را از شرایط ایمان می‌داند. با اینکه بسیاری از عقاید یسویه در چهارچوب منابع نقشبندیه ذکر شده است، در عین حال چهارچوب شناخته شده خاص خویش را دارد.

احکام اساسی طریقت یسوی را معرفت‌الله، مروت، راست‌گویی، فنافی‌الله و توکل کامل تشکیل می‌دهد.

در یسویه برای شیخوخت و مقام رهبریت یافتن نیز شرایط خاصی وجود دارد و شیخ باید مراتب علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین، و ثوق به ژرفای علم اسلام، صبر و تقرب را طی نموده باشد. آرزوی رسیدن به کمال و ملازمت در ذکر از واجبات این طریقت است و سنن و مستحبات فراوانی برای مریدان ذکر شده است. اصل اساسی طی طریقت احترام به شیخ، اعتقاد به وی و تواضع کامل است.

یک عنصر مهم در طی طریقت یسوی «خلوت» است. مدت خلوت چهل روز است و در این مدت همه تکالیف برای مرید ذکر شده است. حتی غذاهایی که می‌بایست شخص در این مدت استفاده کند همه با نظارت شیخ تعیین می‌شود. این چهل شبانه روز احکام بسیار مفصل و مراتب و مراحل بسیار متعددی دارد که تفصیل آن در این مقال نمی‌گنجد.

خلوت در این طریقت دو نوع است: یکی خلوت شریعت و دیگری خلوت طریقت. تنها با طی موفق خلوت اول امکان راه‌یابی به مرحله دوم وجود دارد.

خواجه احمد یسوی با وضع قواعدی خاص، حلقه‌های متعددی از مریدان را در گرد خویش ایجاد کرد. چنان‌که نقل شده است وی بیش از نود هزار مرید داشته است و شماری از مریدان را پس از طی مراحل به عنوان خلفای خویش به نقاط مختلف اعزام می‌کرده است.

خواجه احمد یسوی بر مریدان و مردم منطقه تأثیر

خنجی در کتاب مهمان‌نامه بخارا اشاره می‌کند که کتاب یسوی را در آرامگاهش دیده و مطالعه کرده است. وی اظهار می‌کند که این کتاب اثری است به زبان ترکی و به گونه‌ای صوفیانه. البته صاحب مهمان‌نامه بخارا نیز اشاره‌ای به منظوم بودن آن نکرده و نامی از دیوان حکمت نبرده است.

نویسنده مهمان‌نامه بخارا می‌گوید: «از جمله فواید که فیض الهی به فقیر عطا فرمود، یکی آن بود که کتابی از مصنفات حضرت خواجه یسوی (قدس‌الله روح‌العزیز) مطالعه کردم و آن به زبان ترکی بود. چندان دقایق علوم و حقایق تصوف درو یافتم که گمان ندارم در مقاصد سلوک و بیان مراتب وصول حقایق، مواجید و ذکر ترتیب منازل سالکان و مقامات و اصلاص، مثل آن کتابی مرتب شده باشد.»^۳

برخی از طریقت‌شناسان غربی نظیر دامبری، ملیورانسک، مارتین هارتمان و بروکلیمان نیز دیوان حکمت را مربوط به قرن پنجم هجری (قرن دوازده میلادی) می‌دانند. این مورخین معتقدند که ادعای تعلق دیوان حکمت به قرن هفدهم از جانب عده‌ای از محققین تنها به دلیل قلت اطلاعاتشان بوده است.

به هر حال چه اینکه دیوان حکمت مجموعه اشعار خود احمد یسوی باشد یا اینکه هیچ یک از نسخ آن متعلق به خود یسوی نباشد، تردیدی نیست که سرودن این گونه اشعار از سوی یسوی آغاز شده و توسط پیروان او گسترش یافته است. از خواندن آن گونه اشعار پی بردن به افکار و اندیشه‌ها و شخصیت خواجه احمد یسوی ممکن می‌شود.

حکمت‌های یسوی از دو عنصر اساسی تشکیل می‌شوند: ابتدا اسلام یعنی عنصر دینی و صوفیانه و دوم عنصر ملی یعنی ادبیات عامیانه باستانی ترک‌ها. عنصر اول ایدئولوژی این طریقت و عنصر دوم شیوه تبلیغ و نوع اشعار خواجه احمد را تحت تأثیر گذاشته است.

همین ویژگی موجب می‌شود که یسویه نخستین طریقت بزرگ در مناطق ترک‌نشین است که توسط یک صوفی ترک و در محیطی ترک تأسیس گردیده است. این طریقت موقعیتی عظیم در منطقه یافت، در ظهور

بسیار گذاشته است چنان که وقایعی در مورد وی نقل شده است که بعضاً جنبه افسانه‌ای دارد. گفته شده است وی وقتی به سن ۶۳ سالگی (سن؟ پیامبر اسلام (ع)) رسید در گوشه چاهی از خانقاه رفت و در مدت صد و سی سال در آن گوشه زیست. در طول این مدت وی کرامت‌های فراوانی داشته است. مقبره خواجه احمد یسوی پس از مرگ وی زیارتگاه مشتاقانی بوده است که از مناطق مختلف بسا حاجات و نذر و نیاز راهی ترکستان می‌شده‌اند. مراسم ویژه‌ای نیز گرد مقبره او برگزار می‌شده است. از جمله در ایام خاصی در فصل زمستان هزاران نفر گرد این مقبره تجمع می‌کردند.

صاحب مهمان‌نامه بخارا در اشاره به جایگاه خواجه احمد یسوی و ملجأ حاجات بودن او در میان مردم چنین گفته است:

ای که گرفتار غم ناکسی
دست تو و دامن قطب یسی
آن که سپه دار ره سرمدست
شاه یس خواجه آقا احمد است
درگه او کعبه حاجات شد
خلوت او جای مناجات شد
خم فلک از بر او جرعه نوش
جوف ملک گشته از او سبز پوش

مقبره خواجه احمد یسوی در اواخر قرن هشتم هجری (اواخر قرن چهاردهم میلادی) تقریباً دو بیست و سی سال بعد از وفات وی به فرمان تیمور و توسط اساتید ایرانی مرمت شد. در مورد مرمت این بنا توسط تیمور نیز داستان‌هایی میان مردم نقل می‌شود. گفته می‌شود که پس از اینکه به فرمان تیمور تجدید بنای مقبره خواجه احمد یسوی آغاز شد، این کار چندین بار با مشکل مواجه شد و هر بار بنای مقبره پس از قامت برافراشتن به ناگهان ویران می‌شد تا اینکه شبی تیمور خواب‌نما شد که اگر می‌خواهد مقبره‌ای مجلل برای خواجه احمد بسازد ابتدا باید ساختمانی بر روی مقبره ارسلان باب استاد خواجه احمد بنا کند. تیمور این کار را کرد و پس از آن مقبره احمد یسوی را بنا نمود.

مقبره ارسلان باب تقریباً در سی کیلومتری شهر ترکستان و نزدیک به شهر اترار (محل تولد فارابی) است که هم‌اکنون بازمانده‌های آن شهر نیز باقی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

طاق او جفت طاق گردون است
بلکه گردون به نزد او دون است
صحن او همچو سطح طاق فلک
زمزمه اندر و او ز ذکر فلک
گر تو گویی که مسجد اقصی است
چون در اقصای عالم است بجاست»

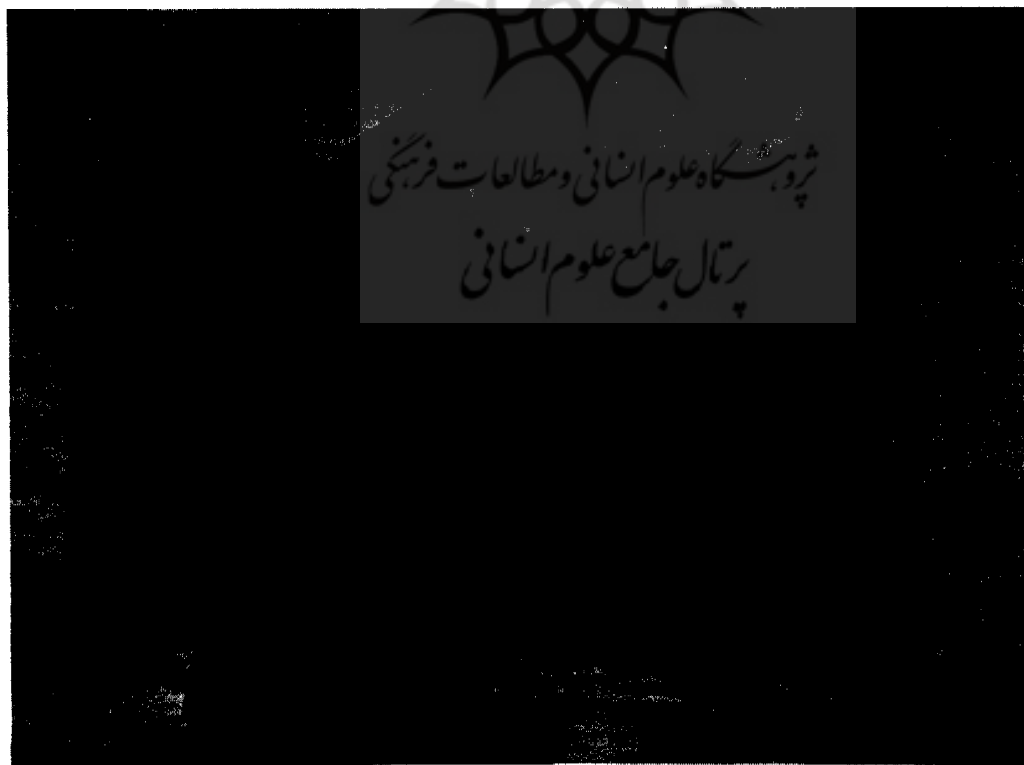
(مهمان‌نامه بخارا، ص ۲۶۱)

نام اساتیدی که این بنا را ساخته‌اند در جاهای مختلف بنا حک شده است و نسلی از فرزندان این اساتید که از تبریز، اصفهان و شیراز بوده‌اند هم‌اکنون در ترکستان زندگی می‌کنند. این مقبره و مسجد در کنار آن از جهت عظمت با مسجد بی‌بی‌خانم در سمرقند مقایسه شده است. در داخل این زیارتگاه یک دیگ برنزی که شاید مانند آن در جهان انگشت‌شمار باشد ساخته شده و نام یک استاد ایرانی از شهر تبریز به نام اوستا عبدالعزیز شرف‌الدین تبریزی بر آن حک شده است. در این دیگ بزرگ که بلندای آن بیش از قامت یک انسان متوسط القامه است، هم‌اکنون نذورات زائرین ریخته می‌شود. جالب است که در فرهنگ ترک‌ها، دیگ سنبل وحدت و مهمان‌نوازی است. قطر این دیگ ۲/۴۵ متر و دارای دو تن وزن است. ریخته‌گری، نقوش گل نیلوفری و حروف

هم‌اکنون بر طبق سنت، زائرین ابتدا مقبرهٔ ارسلان باب را زیارت می‌کنند و سپس عازم ترکستان برای زیارت خواجه احمد می‌شوند. حتی بسیاری یک شب را در ارسلان باب بیتوته می‌کنند و صبحگاهان عازم ترکستان می‌شوند.

ساختمان مقبرهٔ خواجه احمد یسوی توسط اساتید ایرانی به صورت بسیار باشکوهی ساخته شد. صاحب مهمان‌نامه بخارا که آنجا را زیارت کرده در این کتاب می‌گوید: «... مسجدی که طاق رفیع به اوج رسیده و بنای منبع مردمان را صورت بیت‌الاقصی در دیده کشیده، صفوفش از صفوف معابد عباد یاد می‌دهد و ابوابش بر چهرهٔ آمال عابدان در ثواب می‌گشاید و جامع کبیریسی امروز فضل ابن روزبهان خنجی در ادامه می‌گوید:

از سر صدق نی ز بوالهوسی
مسجد خان نگر به شهر یسی



نمای جلویی آرامگاه
خواجه احمد یسوی در شهر
ترکستان استان قزاقستان جنوبی

برای قزاقستان کنونی هم ترکستان و هم خواجه احمدیسوی بسیار حائز اهمیت است

جنوبی قزاقستان و حوالی ترکستان است که در خود امکانه و آثار تاریخی با قدمت فراوان دارد و تاریخ مکتوب این کشور پیش از قرن بیستم را باید در همین مناطق کاوش کرد.

خواجه احمد یسوی نیز برای قزاقستان وسیله خودشناسی ملی و اسلامی است که هم قزاقستان را از فرهنگ روس منفک می‌کند و هم سدی برای نفوذ سایر طریقت‌ها و جریان‌هایی که در ماوراءالنهر، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان وجود دارد.

از جانب دولت قزاقستان به شهر ترکستان توجه ویژه شده است و از جانب ترکیه نیز به عنوان یکی از مراکز قدیمی ترک‌ها مطرح شده است. هم‌اکنون در حالی که ترکستان روستایی بزرگ بیشتر نیست، دانشگاه بین‌المللی خواجه احمد یسوی از سوی ترکیه در کنار مقبره خواجه احمد یسوی ساخته شده است که به تدریج در نوع خود تبدیل به یکی از بی‌نظیرترین دانشگاه‌ها در آسیای مرکزی می‌شود. هم‌اکنون اساتید متعددی از کشورهای آمریکا، چین، مصر، ایران و پاکستان در این دانشگاه تدریس می‌کنند و از ترکیه بیش از چهارصد دانشجو و چهل استاد در این دانشگاه مشغول تحصیل و تدریس هستند.

مقبره خواجه احمد یسوی که توسط دستان پرقوای اساتید ایرانی بنا شده است، متأسفانه هم‌اکنون توسط سرمایه و استادان ترک در حال مرمت و بازسازی است. به هر حال چنان که خواجه احمد یسوی نقش عظیمی را در تاریخ این منطقه به جای گذاشته است، بدون تردید نقش آن در چالش‌های اعتقادی و اجتماعی مردم قزاقستان قابل چشم‌پوشی نخواهد بود.



عربی که بر روی این دیگ وجود دارد، حکایت از مهارت نادر استاد آن می‌کند.

ساختمان بنای زیارتگاه خواجه احمد یسوی حدود ۶ قرن در شکل اولیه خود محفوظ مانده است و سرمای خشک، خورشید سوزان و بلاهای طبیعی فراوانی چون سیل و زلزله را پشت‌سر گذاشته است. در حالی که نمای بیرونی آن ساختمان واحدی به چشم می‌خورد اما در واقع به هشت بخش مستقل تقسیم می‌شود. تالار اساسی و اولیه این زیارتگاه که دیگ بزرگ نیز در مرکز آن کاشته شده است، بسیار با عظمت است و در گوشه راست و چپ آن نیز شبستان‌هایی وجود دارد. ساختمان گنبد اصلی زیارتگاه ۱۸/۲ متر قطر دارد و از سطح مقبره تا نوک گنبد ۳۷/۵ متر ارتفاع است.

مردم منطقه سه بار زیارت خواجه احمد یسوی را معادل یک سفر حج می‌دانند. به همین دلیل زوار با اشتیاق فراوان و نذر و نیاز عازم ترکستان می‌شوند و پس از بازگشت همچون زائرین خانه خدا از آنان پذیرایی به عمل می‌آید.

افراد بسیاری پس از خواجه احمدیسوی خود را منتسب به او دانسته‌اند و از نوادگان وی برشمرده‌اند. با توجه به اینکه وی دارای یک پسر به نام ابراهیم بوده است که در زمان وی فوت کرده است و چنان که شخصی به وی منتسب باشد، قاعدتاً از طریق دختر وی به نام «گوهر شهناز» گرفته است. تا سال‌های اخیر عده فراوانی نه تنها در ترکستان که در سرزمین‌های قلمرو عثمانی نظیر شیخ ذکریا سمرقندی، شاعر عطا اهل اسکوپ (قرن شانزدهم میلادی)، اولیا جلیبی (قرن هفدهم) و خواجه حافظ یسوی نقشبندی (قرن هفدهم م.) ادعا کرده‌اند که منسوب به خانواده خواجه احمد یسوی هستند.

پس از استقلال قزاقستان، در سال‌های اخیر به خواجه احمد یسوی و به شهر ترکستان اهمیت زیاد داده شده است. شهر ترکستان به عنوان پایتخت معنوی قزاقستان تلقی می‌شود و در تابستان سال آینده، هزار و پانصدمین سالگرد تأسیس این شهر از جانب دولت مردم قزاقستان جشن گرفته خواهد شد.

برای قزاقستان کنونی هم ترکستان و هم خواجه احمد یسوی بسیار حائز اهمیت است و در واقع بخش